

MARVEL

2

PETER DAVID
GREG LAND
JAY LEISTEN
FRANK D'ARMATA

EMERALD SPIDER-MAN



LAND
fgd

MWU

★★★★★
FINAL

باگل



دیلی

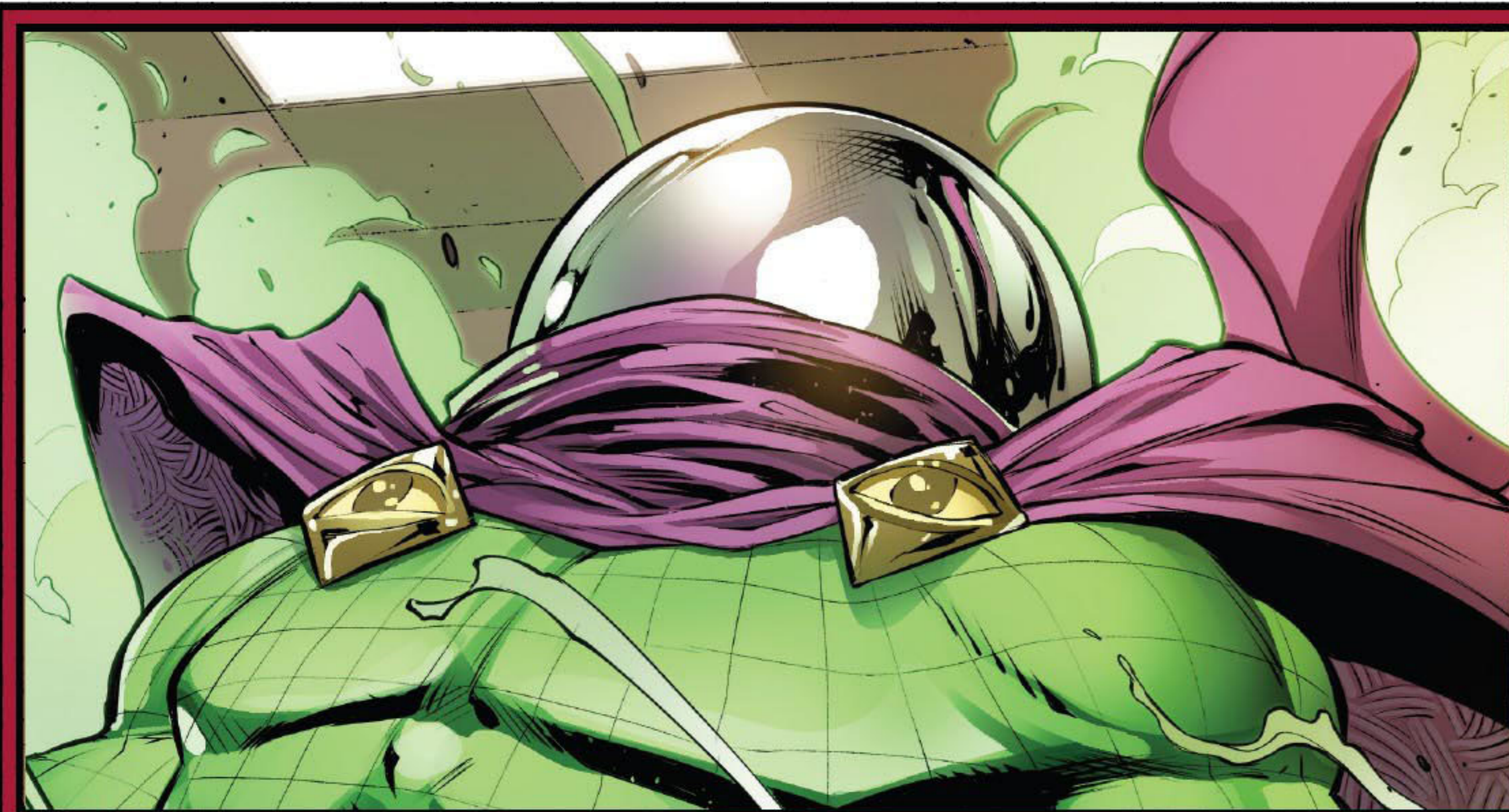
SINCE 1897
★★★★★
\$.25 (in NYC)
\$.75 (outside city)

برترین روزنامه نیویورک

در این شماره: مصاحبه با شی هالک - عضو جدید چهار شگفت انگیز!
انتقام جویان به ساحل غربی منتقل می شوند!

فریاد برای اسپایدی!

اسپایدرمن پس از سرقت نقاشی فریاد،
همدست خود مرد مگسی را دور زد و
تصمیم گرفت این اثر را به صاحبان
اصلی آن تحویل دهد.



دود و آینه ها

میستریو شرور برای بازپرسی
در مورد مرگ تحویلدار بانک
در جریان سرقت نافرجام از
بانک فراخوانده شده است.

PETER DAVID **WRITER** | GREG LAND **PENCILER**

JAY LEISTEN **INKER** | FRANK D'ARMATA **COLORIST**

VC's JOE SABINO **LETTERER** | GREG LAND & FRANK D'ARMATA **COVER ARTISTS**

RON LIM & ISRAEL SILVA; ALEX SAVIUK & CHRIS SOTOMAYOR **VARIANT COVER ARTISTS**

JONG-JU KIM **BATTLE LINES VARIANT COVER ARTIST**

LAUREN AMARO & DANNY KHAZEM **ASSISTANT EDITORS** | DEVIN LEWIS **EDITOR** | NICK LOWE **EXECUTIVE EDITOR**

C.B. CEBULSKI **EDITOR IN CHIEF** | JOE QUESADA **CHIEF CREATIVE OFFICER** | DAN BUCKLEY **PRESIDENT** | ALAN FINE **EXEC. PRODUCER**

SPIDER-MAN CREATED BY STAN LEE & STEVE DITKO

چقدر از اسپایدرمن
متنفرم.

بچه سوسول مغرور. لعنتی،
سالها پیش اگه اون احمق جونا
جیمیسون دخالت نکرده بود
هویتش رو کشف کرده بودم.*

چطور می تونه با اون
هویت پنهان شده تو شهر
تاب بخوره و هر کار می خواد
انجام بده.

اونم تو لباسی که اصلاً
مال این دنیا نیست. در آن
واحد از حالت یونیفرم به
لباس خیابونی تبدیل شد.

تازه اون دختر جذاب
بلک کت هم دوست دختر شه.
مگه تو این اسپایدی چی
دیده!؟

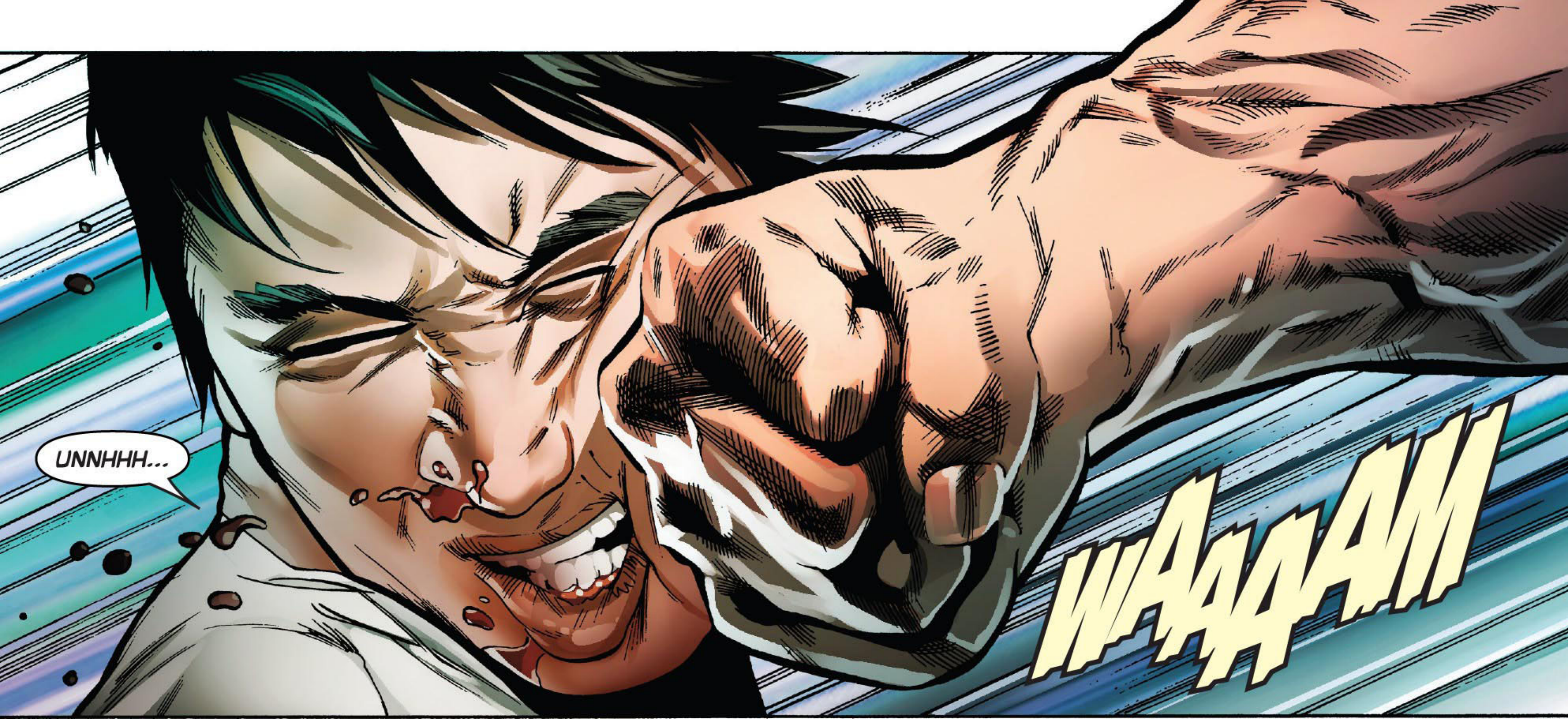
من باید به شرور
پیشرو شهر و شاید
هم جهان تبدیل بشم.

درعوض، بارها و بارها اون
تارپرتاب کن ملعون منو
شکست داده. خیلی ها منو به
جوک به حساب میارن.

ولی این رویه تغییر
خواهد کرد...

...به کمک توانایی
متحد جدیدم.

در شماره ۲۴ # اسپایدرمن
شگفت انگیز بخوانید!



بیایا
یالا بیایا!

پاشو
جوجه فکلی!

گم شو...



کات!
کات! ای بابا!
کات!

از اون
دور شو
الن!

تام، تو
خوبی!؟



به نظرت
خوبم؟

فکر کنم
دماغش
شکسته!



سایه بود.
تقریباً سایه بود.
نتونستم نزنمش.

قرار نبود
بزنیش! باید سایه
می زدی! همیشه
باید سایه بزنی!

مشکل من
نیست اون
نمی تونه درست
مشت بخوره.

دماغشو
شکوندی!
دماغ بدبختو
شکوندی!



خدای
من.

چطور به
نظر میام.



تو... تو
عالی هستی
عزیزم.



آره، برای
گریه کردن...

تو یکی
خفه شو احمق!
کلاً فیلم رو خوابوندی.
چند هفته طول می کشه
صورتش درست بشه...

برام مهم
نیست که بهترین
بدلکاری یا نه!
تو اخراجی!



نمی تونی
منو اخراج
کنی!

مطمئن
باش
می تونم.

از جلوی
چشمام دورش
کنید!



بیا جنینگز!
تو اخراج شدی!

آره؟



OOOOOF!

UGHHHHH!



می خواهی
برم؟ باشه
می رم!

خرت و پرتم
رو از اتاقم
برمی دارم و بعدش
می رم!

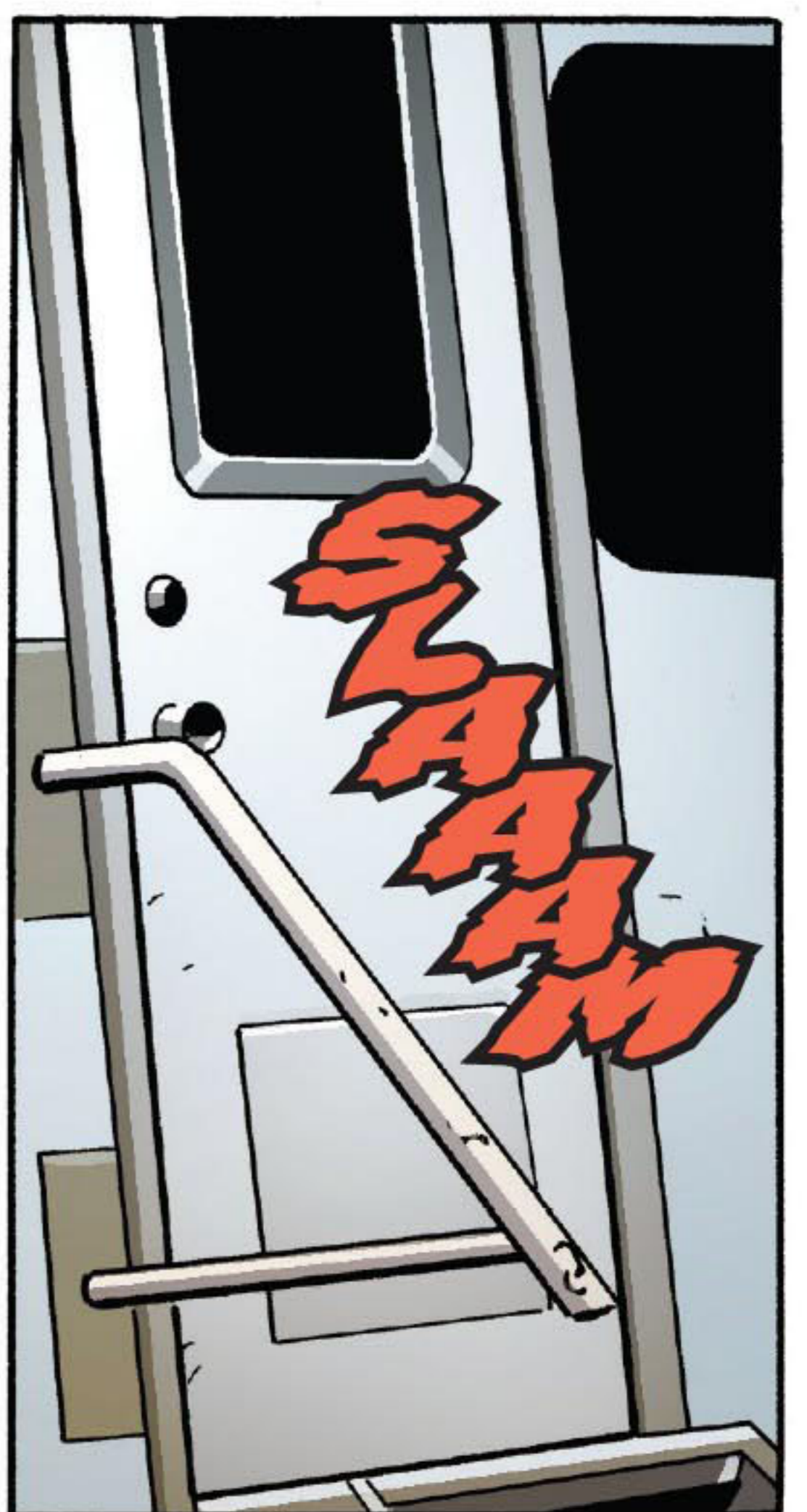


منتظر
وکیل های ما
باش!

منتظرم.



حروم...



روز بدی
داشتی الن؟

وقت
پیشرفته.

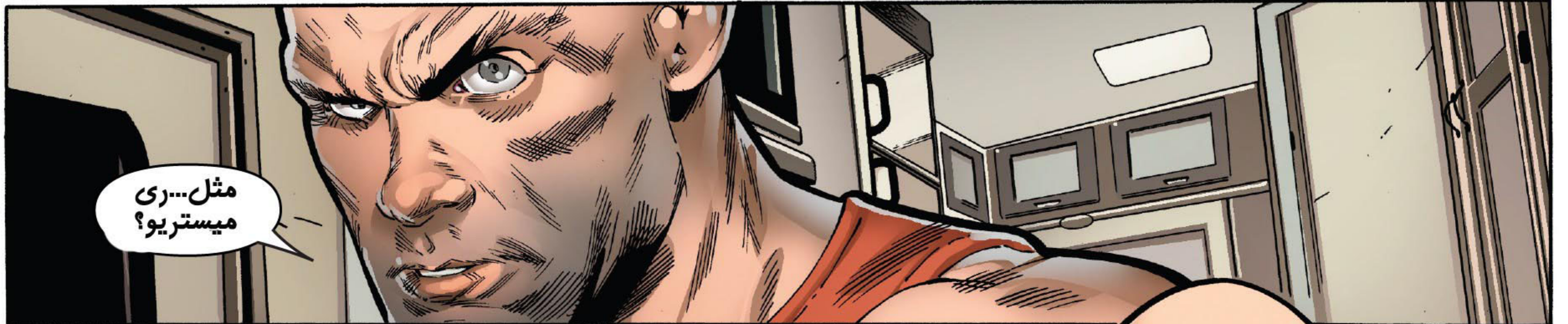
تو کدوم
خری...!؟

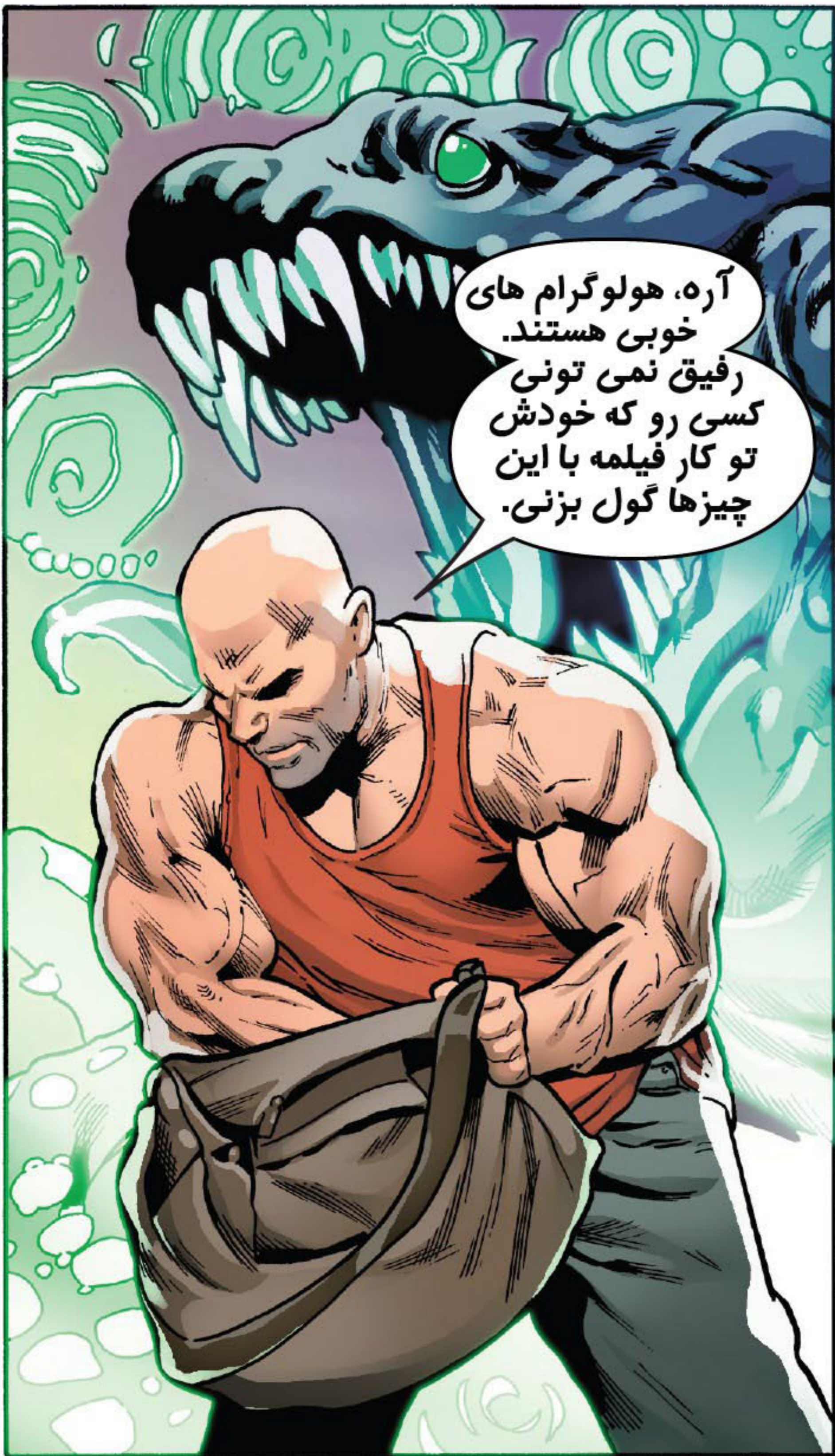
من... من...

MYSTERIO!!!

هستم







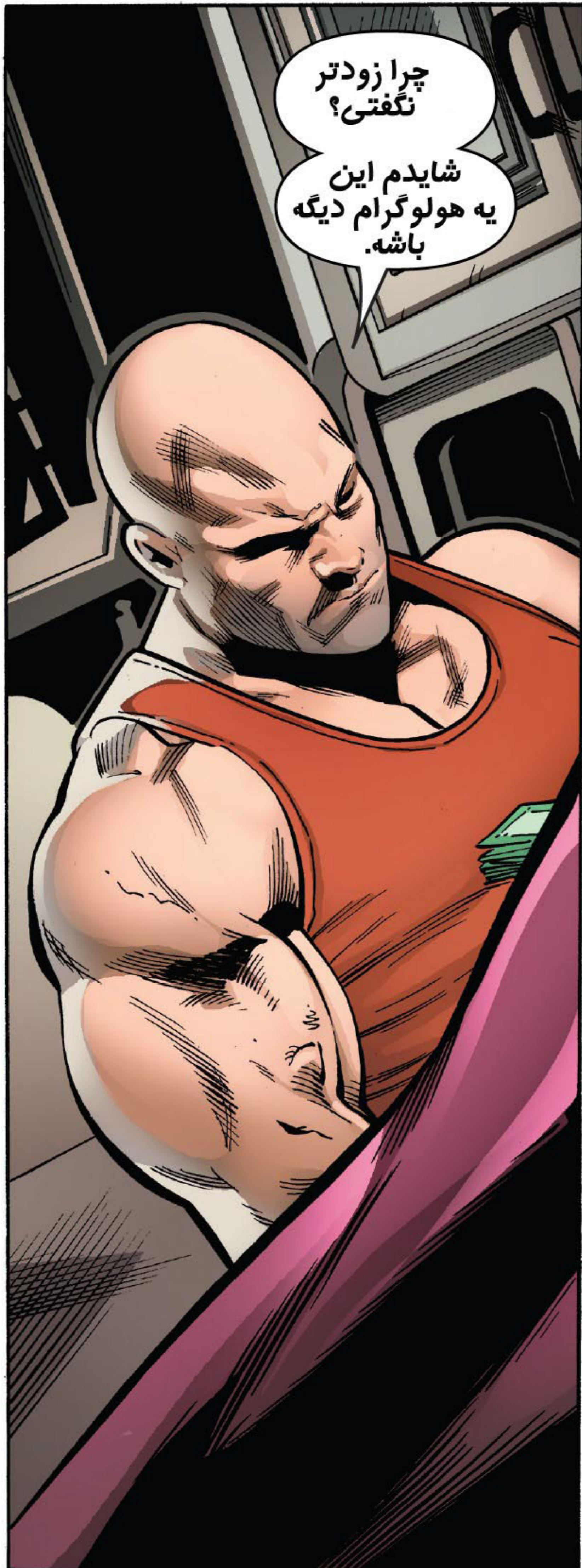
آره، هولوگرام های خوبی هستند. رفیق نمی تونی کسی رو که خودش تو کار فیلمه با این چیزها گول بزنی.



خوبه. پس برو رد کارت.



من کار نون و آب داری سراغ دارم. مطمئنم به این پولها نیاز نداری.



چرا زودتر نگفتی؟ شایدم این یه هولوگرام دیگه باشه.



آره. می بینی؟ واقعیه! ببین. لمسش کن. نه. کاملاً واقعیه.



جالبه. خیلی جالبه. کار چی هست؟ حالا کسبش کن.



تو باید بدونی که یه مرد عادی نیستی.

پوست تو نفوذناپذیره...

آره. همینطور بودم. از بچگی.

و سرعت و قدرتت. اونها هم فرابشری هستند.

در موردش نمی دونستم.



من می دونم.

از کجا...؟



تو یه جهش یافته ای غیر ممکنه...

قطعاً همینطوره.

من یه آدم عجیب نیستم. نه نیستی...



ولی... این چرا. یه جهش یافته موجودی طبیعیه. ولی این موجود... این اسپایدرمن... قطعاً یه چیز عجیبه شاخداره.



بچه ها تو مدرسه منو به همین اسم صدا می کردند. ولی من کاری می کردم پشیمون بشن.

مسخره ات می کردند. درکت می کنم. کفر آدم رو درمیاره.

خیلی.

می فهمم.

و می دونی که اسپایدرمن هم یه قلدره مثل بقیه.



نظرت چیه حقتو بذاریم کف دستش؟

باشه.

چرا یه هلیکوپتر
در حال سقوط یا یه
دزدی اتفاق نمی افته؟

دو ساعته دارم
گشت می زنم و فقط یه
گره رو از روی یه درخت
نجات دادم.

پسر، هیچوقت
فکر نمی کردم شهر
رو اینقدر ساکت
ببینم.

وقتی اتفاق
نمی افته حس
خوبی ندارم.

انگار باید
پیش یه
روانشناس برم.

آروم باش
آقای پارکر. یادت
باشه تو زندگی عادی خودت
به اندازه کافی مشکلات داری
که راضی نگهت داره.

خاله می
باهام حرف
نمی زنه چون
کالج رو رها
کردم.

و بلک
کت هم چیزی رو
از من پنهان می کنه.
می دونم.

ولی بین
حداقل تو یه
لباس داری که
از یه دنیای بیگانه
است ...

UHGH.

دود سبز.

میستریو.

خوب وقتی
همه چیز آرومه و
حسرت در دسرت بکشی
همین می شه دیگه.



میستریو!
باید حرف
بزنیم!

بهت
اطمینان می دم
هیچ موضوعی نیست
که بخوام بخاطرش
باهات حرف بزنم.

دوباره حس
عنکبوتی تحریک
نمی شه. مثل قضیه
انبار.



خوبه.
از حقه تاثیر
خزنده شب داره
استفاده می کنه.



تو این
سطح تغییری
نمی بینم.

حداقل باید
جای پاش باشه...



اینجا نبود.
یه توهم دیداری
بود. به همین خاطر
حس اسپایدری من
تحریک نشد.



داری
کند می شی
اسپایدر من.
معمولاً منتظرت
نمی شم بهم برسی.



یه تله است
مطمئنم تله
است.

ولی خوب
که چی؟ باید
برم ببینم.



عالیه. چقدر
قابل پیش بینی.

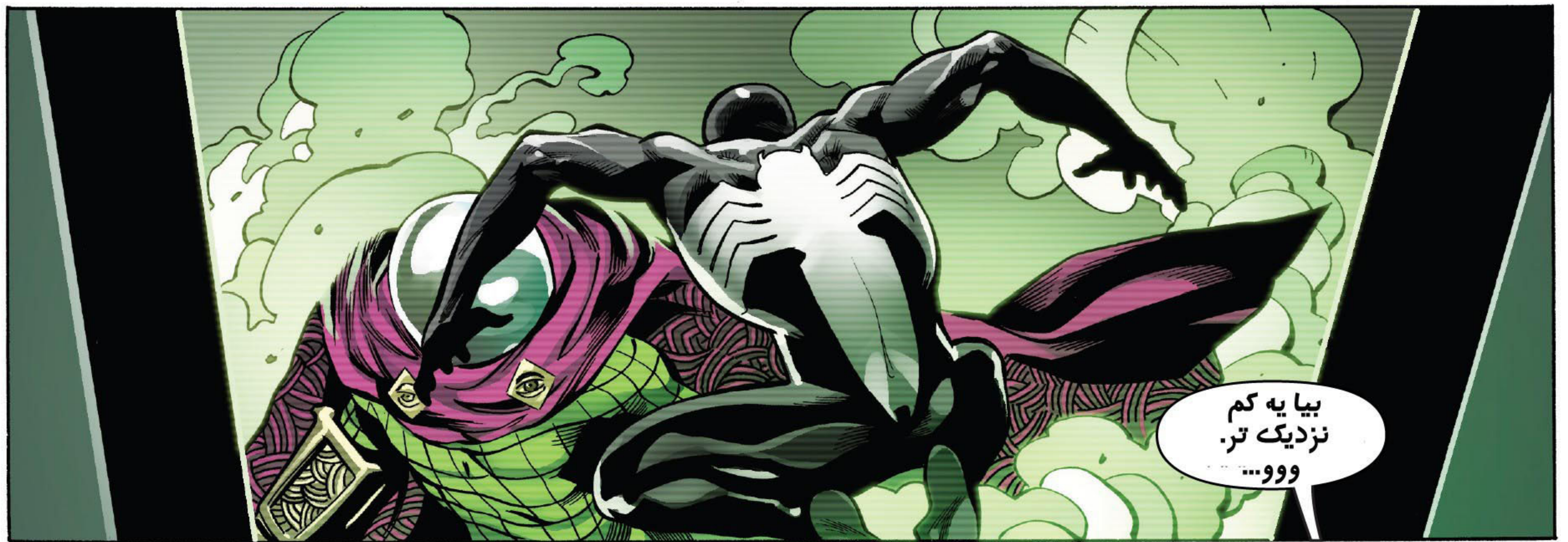
مطمئنم
فکر می کنه من
تنهام و تهدیدی
نیست.



هارد راک.
دارم میارمش
سمت تو.

می خواهی وقتی اون
بیرون درگیر شدی
از اسم واقعیت
استفاده کنم؟

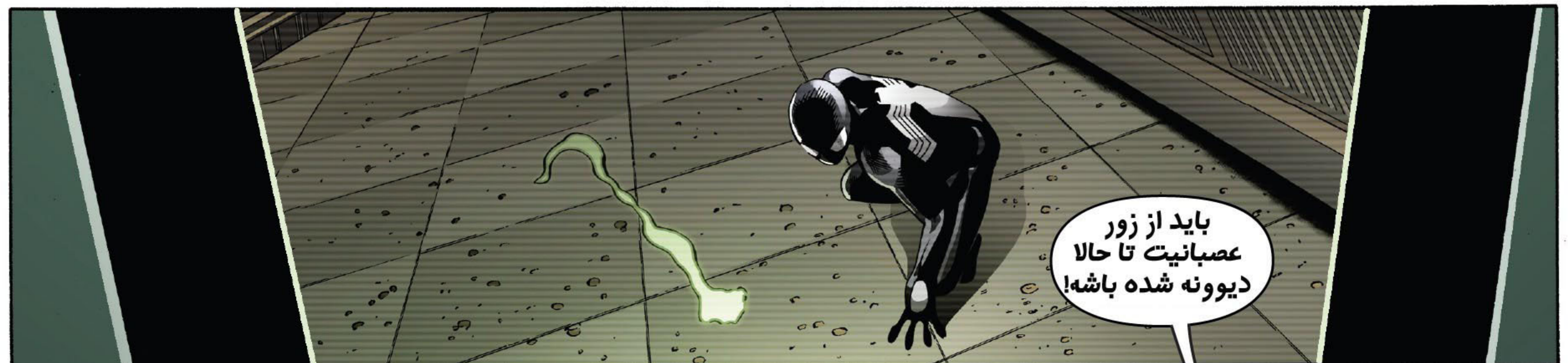
شوخیست
گرفته؟ فکر می کنی
با اون اسم مسخره
خودمو معرفی
می کنم؟



بیا یه کم
نزدیک تر.
...999



...آره!

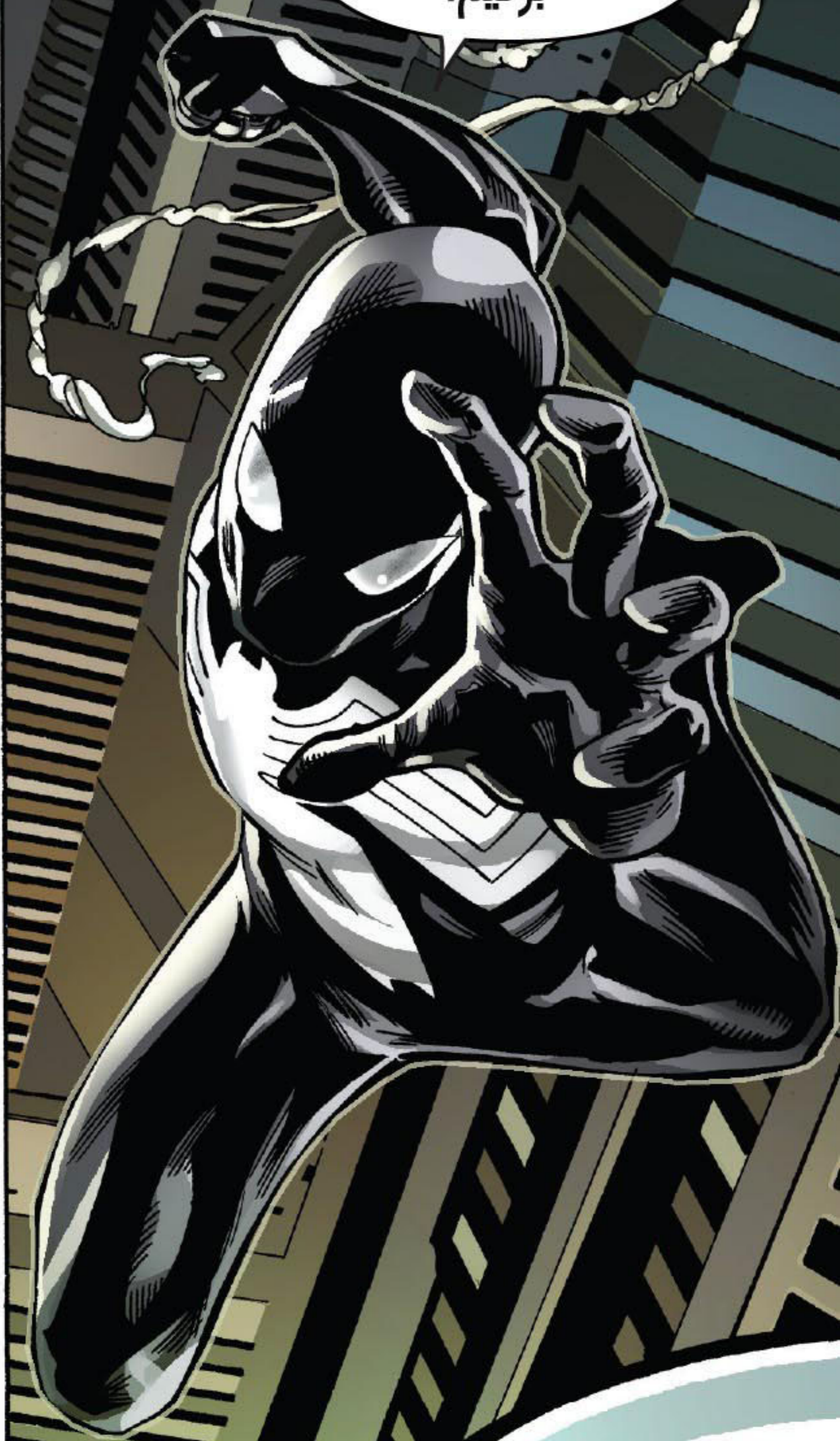


باید از زور
عصبانیت تا حالا
دیوونه شده باشه!

باید بخاطر حمله
ازش عذرخواهی کنم.
یعنی، نمی تونم بهش
بفهمونم که فکر می کردم
می دونه من کی ام. ولی
یه راهی پیدا
می کنم...



هی مه آلود!
می شه دو دقیقه
درست با هم حرف
بزنیم؟



پس اینطور.
شاید اون فکر
می کنه من متوجه
نشدم این یه
توهم نیست.

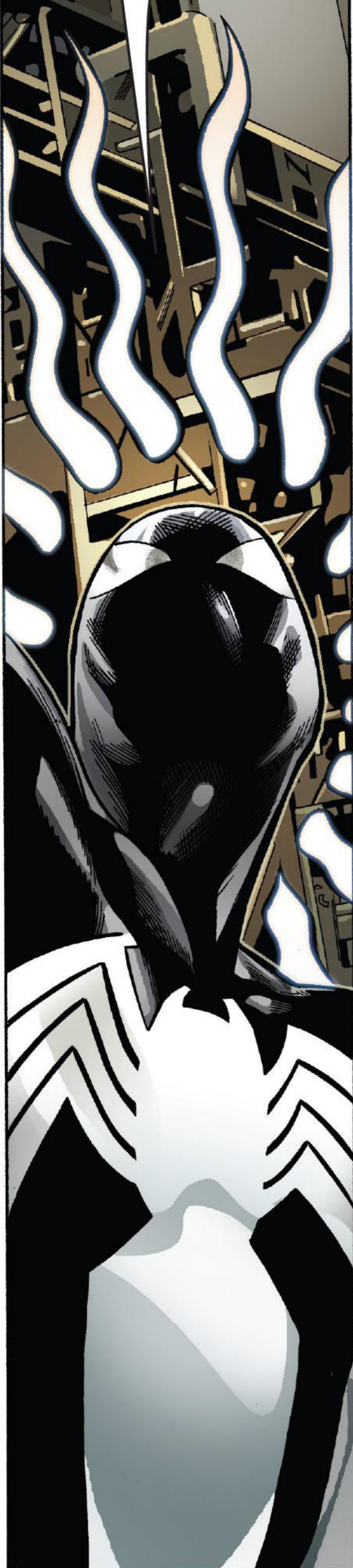
ولی اون
هیچوقت آدم
مبارزه تن به
تن نبوده. اگه
سخت و سریع

...
ولی من
باید راهی برای
توضیح اتفاقات
اخیر پیدا کنم.



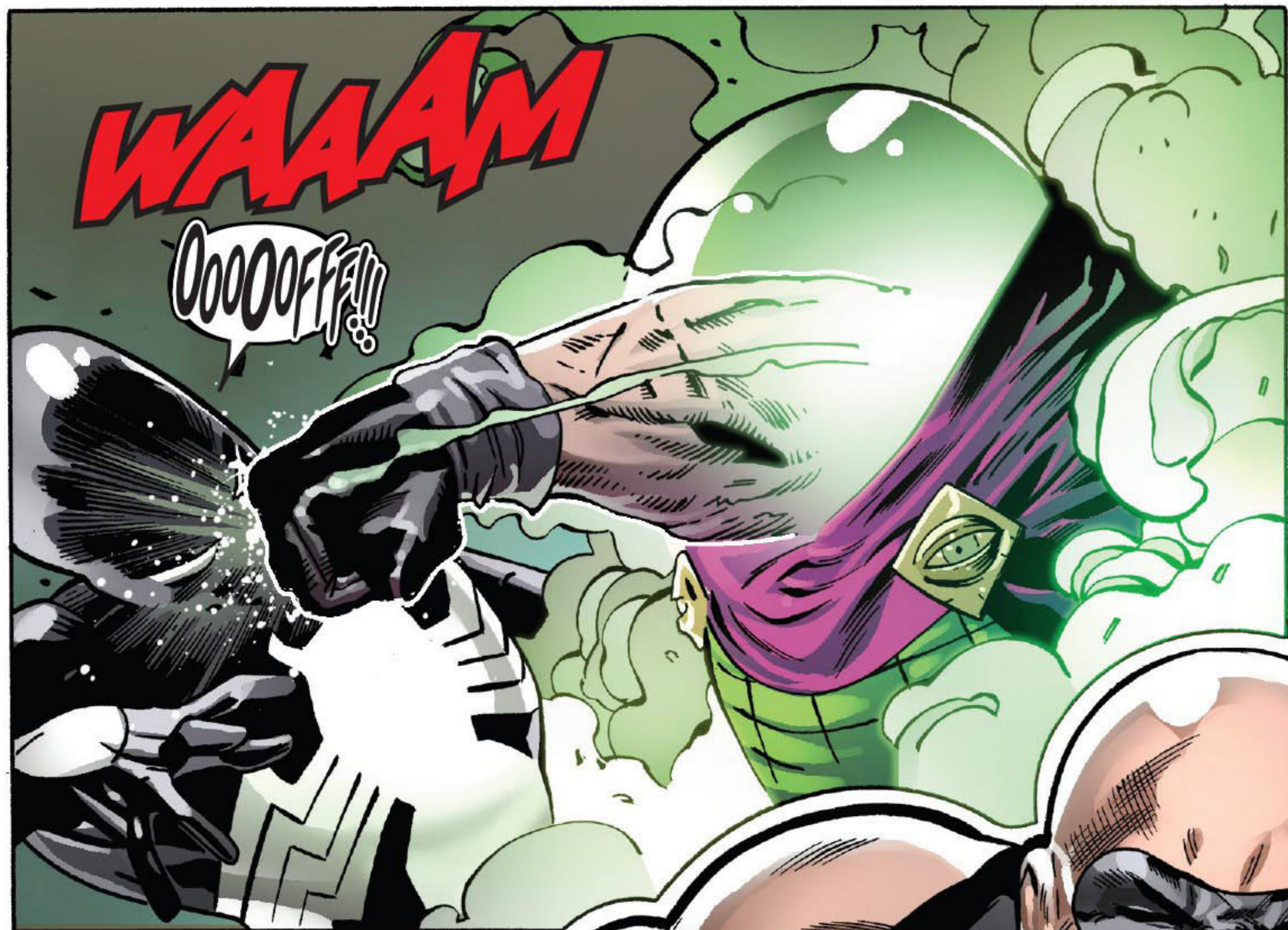
واو!

یه چیز
حس اسپایدری
رو بدجوری تحریک
کرد.



دوباره اومد.
شاید باید این
یکی رو بی...





اسمم
هاردراکه!

اومدم
بکشمتم.

پولشو
گرفتم. موضوع
شخصی نیست.



خوب یه کم قضیه شخصی شد.

WAAAAAM

ARRRRHHH!!!

مثل مشت زدن به دیوار آجریه!

یه کم باید عقب بکشم...



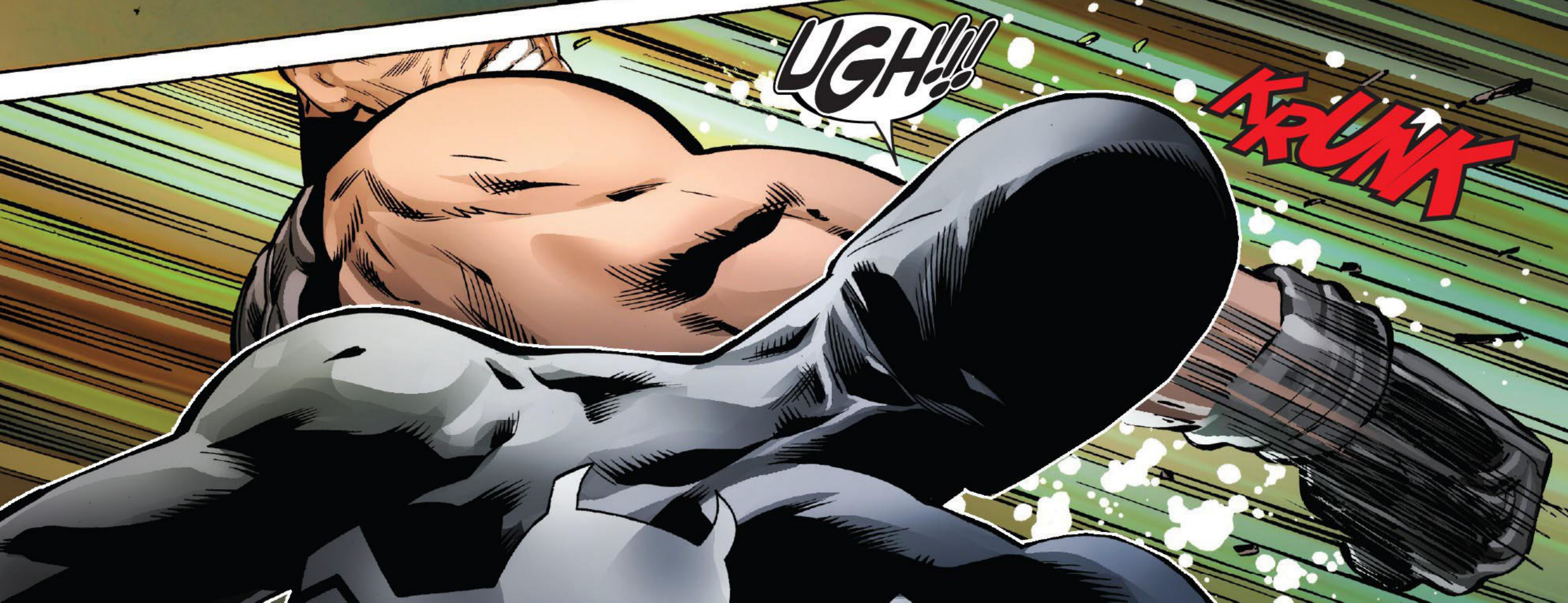
مشکلی داری
عنکبوت؟

KRAK



شنیدم
خشنی. شنیدم
بهترینی.

اونی که
می گی
ولورین...



UGH!!!

KRUNK



این...
درست نیست.
من دکتر اختاپوس
کریون...
الکترو...
شکست...

این ناشناس
نباید بتونه منو
شکست بده...



باید کمی
خسته اش کنم
...چند ثانیه...



ببخشید.
این پوشش کمی
مخصوصه. تارهای تو
بهش نمی چسبه.



ولی ضربه های
من به شدت
چسبناکند.

کاش...





پس اسپایدر من
شگفت انگیز که
می گفتند این بود؟!
انگار زیاد هم شگفت
انگیز نیست.



هنوز فکر
می کنم که مهم
نیست کیه.



تنها چیزی
که لازم دارم یه
گلوله تو سر شه.



این چه
کوفتییه...!؟

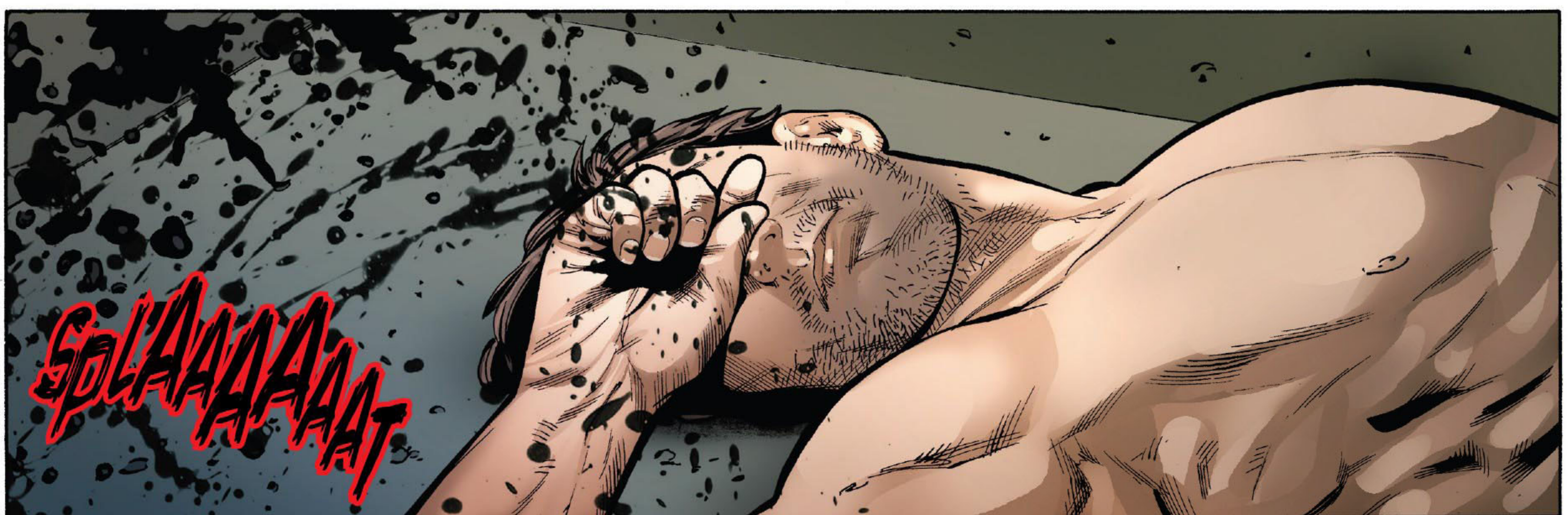


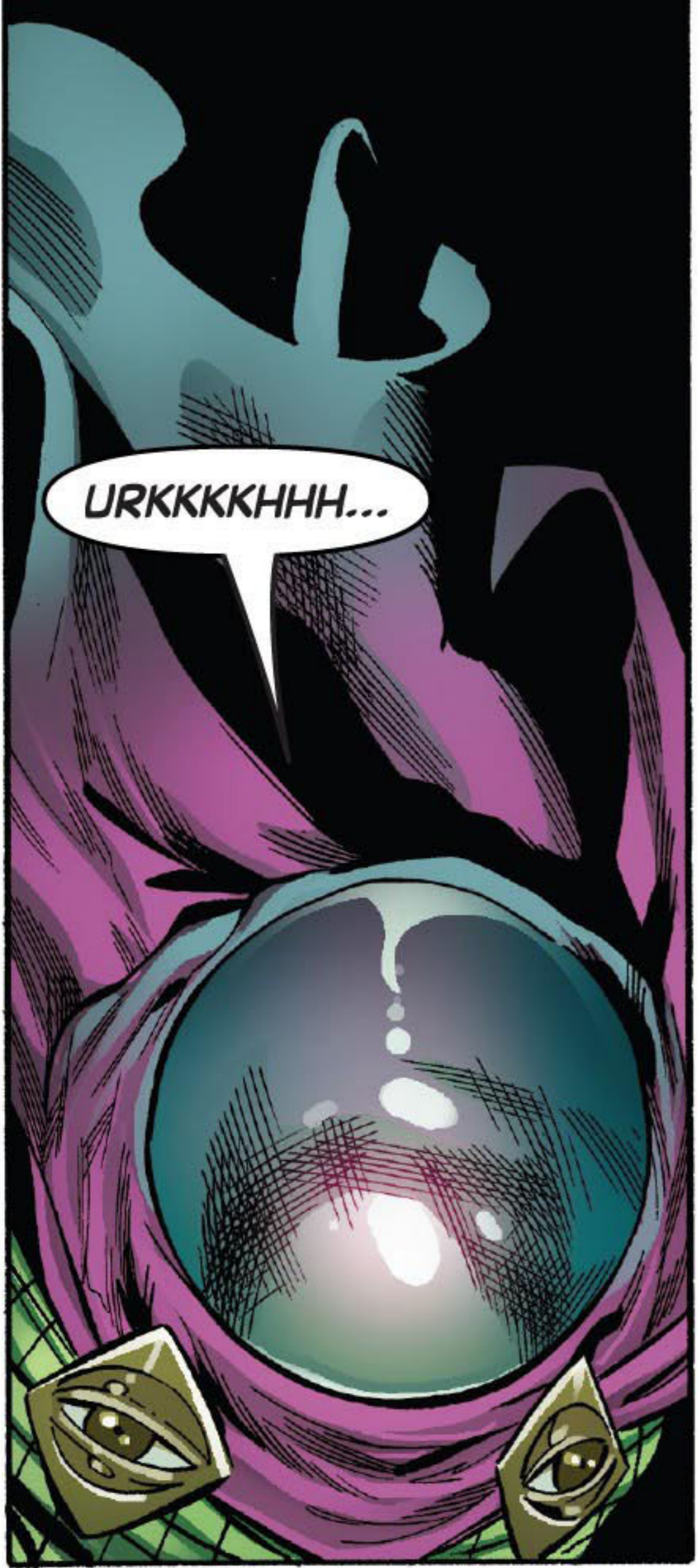
چه اتفاقی داره
می افته؟!؟

میستریو!!!



خدای
من...





URKKKKHHH...

اوه...
تو کلاه
استفراغ
کردم...



کی اونجاست؟
درو باز کنید!



لعنتی!



یه نفر
اینجا بوده قربان.
درها قفل
بودند.

آره.
می بینم.



نمی دونم
چی رو داشتند
می دیدند.

وقتی انبارم
ناپود شد یه مفر
فرماندهی لازم داشتم.
می دونستم که هیچکسی
به اندازه کینگ پین
دوربین در سطح شهر
نداره.

ولی
حاضر بودم هر
چی داشتم بدم
این چیزها رو
ننیم.

این...
دیکه...
چی بود؟

کوینتین؟
کوئننتین
بک؟

جانی آن؟
اینجا چیکار می کنی؟

اومدم
یه سیگار بکشم.
من... تو می دونی
من برای آقای فیسک
کار می کنم. تو...

تو نباید
اینجا باشی.
باید بهش بگم.
تو...

لطفاً
نگو.

برای آقای
فیسک حریم
خصوصیت خیلی
مهمه. نمی تونم...

ولی برای اون قدرت
از همه چیز مهم تره. و من
چیزهایی دیدم جاناتان. چیزی
که می تونه قدرت زیادی به اون
بده.

و به
کمک تو
می تونم
بگیرمش.

بهم توضیح
بده.

در قسمت بعدی: کینگ پین!
الکترو! بازگشت بلک کت! قطعاً شما هم
نمی خواهید نبرد برادوی رو که یه بار در
عمر اتفاق می افته از دست بدید.

★★★★
FINAL

DAILY BUGLE®

NEW YORK'S FINEST DAILY NEWSPAPER

SINCE 1897
★★★★
\$.25 (in NYC)
\$.75 (outside city)

NEXT: ISSUE 3

